

دانشگاه و جامعه: نقش دانشگاهیان

اصغر میرفردی

سخن گفتن از نقش دانشگاه در جامعه بدون توجه به نقش آفرینی دانشگاهیان بیهوده است. جوامع توسعه یافته از پیوند پویا بین دانشگاه و جامعه بهره برده اند. پیوند بین دانشگاه و جامعه تنها به محصولات مادی مربوط نیست، مشاوره فکری و فعالیتهای ترویجی از جایگاه مهمی در این میان برخوردارند. در کشورهای جهان سوم چون ایران، این پیوند به گونه کارآمد جا نیفتاده است و دانشگاه و نهادهای جامعه در بسیاری از حوزهها بسان جزیرههای دور از یکدیگر ادامه فعالیت میدهند. میتوان گفت مشکلات ساختاری همچون استقبال نکردن از استانداریها و رویکردهای علمی موجب به انفعال کشیده شدن بسیاری از دانشگاهیان نسبت به امور جامعه شده و این وضعیت را پدید میآورند. در نتیجه، بخش زیادی از فعالیتهای علمی دانشگاهیان تنها در چارچوب دانشگاه است و همانجا دیده، خوانده و شنیده میشوند و بایگانی نمیگردند. به بیان دیگر، گویی نیازی به یافتههای علمی و تحلیلهای برآمده از نظریهها و پژوهشهای علمی در جامعه وجود ندارد و بود و نبود دانشگاه تفاوتی دربر ندارد. تنها کسانی که دغدغشان برای جامعه بیش از دیگران است تا جایی که امکان باشد از این پوسته بیرون رفته و تلاش دارند از دانش خود برای شناخت مسائل، گفتوگو با نهادهای جامعه و اقشار و گروههای اجتماعی و توانمندسازی کنشگران و ذینفعان بخشهای گوناگون بهره گیرند. چنین رویه‌ای که عاقبت‌طلبانه نیست در جامعه‌ای که به دلایل پیشگفته کمترین پیوند با جامعه تبدیل به رویه مرسوم و غالب برای بخش زیادی از دانشگاهیان شده است، خرق عادت است که به سهم خود پیامد خوشایندی برای جامعه دارد، زیرا نوید مسوولیت‌پذیری و کنشگر بودن را به ارمغان می‌آورد. دانشگاهیان دغدغه‌مند تنها به فکر پررنگ ساختن رزومه خویش نیستند، بلکه پیوند با جامعه و گره‌گشایی از مسائل ریز و درشت آن را یک رسالت و وظیفه جوهری برای خود میدانند و سختی‌های آن را نیز در عصر انفعال خواسته و ناخواسته بسیاری از همکاران خویش به جان می‌خرند. در روزهای گذشته خبرهایی از کنار

گذاشته شدن برخی از همکاران دانشگاهی در جامعه منتشر شده که بازتاب زیادی پیدا کرده است. درباره این دسته از همکاران، کنار گذاشتن آنها به توجه به فعالیت‌های علمی و اجتماعی آنها نگرانی‌هایی را برای جامعه دانشگاهی پدید آورده است. با توجه به شناخت نسبی که بنده از فعالیت‌های جناب آقای دکتر محمد فاضلی دارم، ایشان از نظر فعالیت‌های گوناگون به ویژه در زمینه پیوند با جامعه و پیگیری دغدغه‌های گوناگون زیست محیطی، آب و... جزو فعالین شناخته شده هستند. لازم است درباره کنار گذاشته شدن همکاران دانشگاهی به نکات زیر توجه نمایم:

1- در حالی که جامعه ما در صدر کشورهای مبدا فرار مغزهاست، مشاهده شیوه رویارویی با اعضای هیات علمی میل به ماندگاری برای دیگر همکاران و جوانان مستعد و فعال علمی را کاهش می‌دهد.

2- در حالی که دانشگاه‌ها و همچنین نهادهای بیرون از دانشگاه نیازمند ارتباط دوسویه‌اند و در این راستا باید انگیزش لازم در بین اعضای هیات علمی افزایش یابد، اخراج نمودن هیات علمی که فعالیت زیادی در این حوزه دارد، نه تنها موجب کاهش انگیزه اعضای هیات علمی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز انفعال فزاینده دیگران را فراهم می‌سازد.

3- اخراج هیات علمی از دانشگاه، حس ناامنی و ناپایداری شغلی را برای دیگران پدیدار می‌سازد. در چنین شرایطی انگیزه فعالیت نظام‌مند، کارآمد و خلاقانه از سوی اعضای هیات علمی به ویژه افراد جوان‌تر انتظاری تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

4- جامعه ما از نظر اقتصادی و اجتماعی در شرایط ناخوشایندی قرار دارد.

به روایت معاون محترم وزیر کشور، نارضایتی‌هایی در زیر پوست جامعه وجود دارد. در چنین شرایطی ملت‌هت کردن جامعه با اقدامات شتابزده، کمکی به بهبود شرایط نخواهد کرد. ما در شرایطی قرار داریم که تنها انسجام ملی می‌تواند راه‌گذر از سختی‌ها را هموار سازد. هر گونه اقدامی که به انسجام اجتماعی در گستره ملی آسیب زند و موجب تشتت و چنددستگی شهروندان جامعه گردد، وضعیت را ناخوشایندتر خواهد ساخت.

5- اگر بپذیریم که مدیریت علمی جامعه را به توسعه و سرانجام نیک می‌رساند و دانشگاه موتور محرک تولیدات علمی و پرورش کارگزاران دانا و متخصص جامعه است، حفظ آرامش و بهبود انگیزه فعالیت در این نهاد علمی شایسته‌ترین خدمت به جامعه است و هرگونه سیاست‌گذاری، گفتار و رفتاری که دانشگاه را از ایفای نقش سازنده خویش در جامعه

دور کند؛ به هر بهانه و نیتی که باشد، برخلاف منافع ملی است و جامعه را به ضعف و فقر دانایی و کاهش کارآمدی نزدیکتر خواهد ساخت. امید است وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری با نظارت لازم، زمینه حفظ آرامش بیشتر دانشگاهیان و افزایش انگیزه فعالیت آنها را فراهم سازد.

منبع: روزنامه اعتماد 6 بهمن 1400 خورشیدی